

ناصر آویژه؛ کارگردان «عموی عجیب بزرگ کوچک من» از این نمایش به «صبا» می گوید

# جوانه‌های امید در دل کودکان



فاطمه رستمی  
گفت و گو

نمایش «عموی عجیب بزرگ کوچک من» این شب‌ها در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (سالن بوستان) اجرا می‌شود و همراه با پویوش «هر شب یک نویسنده»، میزبان نویسندگانی است که مردم آن‌ها را می‌شناسند و با کارهایشان آشنایی دارند. این نمایش که به موضوع امید و نقش آن در تحولات زندگی می‌پردازد برگرفته از داستان و اشعار شل سیلور است و گیتا داوودی آن را نوشته و ناصر آویژه کارگردانی کرده است. با آویژه در مورد این تجربه‌اش گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

بله. خیلی از خانواده‌ها حتی قبل از بچه‌هایشان نمایش را می‌بینند تا اگر مناسب بود فرزندشان را به دیدن نمایش بیاورند. آن‌ها دوست ندارند اطلاعات غلط به بچه‌ها داده شود یا در ارایه نکات تازه در نمایش‌ها زیاده‌روی شده باشد؛ البته این نکته مهم است و در همه جای دنیا وجود دارد. گروه‌بندی‌های سنی که برای کارها وجود دارد بسیار درست است و باید رعایت شود. مثلاً مادری از من می‌پرسید که آیا لازم است این همه غم را به بچه‌ها منتقل کنیم؟ من می‌گویم دانستن واقعیت مهم است به این شرط که اندازه آن رعایت شود. مفهوم مرگ انکارناپذیر است، اما نمی‌توانیم همه چیز را شبیه به عزاداری‌های واقعی نشان بدهیم به این دلیل که لزومی ندارد می‌توان با نشان دادن پژمرده شدن یک گل نشان داد که مرگ چیست؟ خانواده‌ها هم وقتی توضیحات کارگردانان را می‌شنوند به مفهوم مورد نظر کارگردان پی می‌برند و قانع می‌شوند.

در نمایش شخصیت دختر بچه‌ای را می‌بینیم که در ظاهر او ناتوانی وجود دارد. طراحی چنین شخصیتی برای آگاهی دادن به بچه‌ها در مورد این موضوع که همه انسان‌ها سالم نیستند و ممکن است عده‌ای دچار نقص‌هایی در اعضای بدنشان باشند چه تاثیری دارد؟

دختر بچه نمایش ما معلول نیست و در قصه توضیح می‌دهد که چه اتفاقی برای او افتاده و در آینده خوب می‌شود. بچه در نمایش سمبلیک است و می‌بینیم که روندی را تحت تاثیر چه موضوعی از سر می‌گذرانند و چه اتفاق‌های مثبتی برایش رخ می‌دهد. او کم‌کم با جریان حقیقی زندگی همراه می‌شود و ما نقش امید را در او می‌بینیم. زندگی جریان‌پذیر است که تحت تاثیر هیچ‌کس نیست و به حرکت خودش ادامه می‌دهد و با همه تلخی‌ها آنقدر زیبایی دارد که ارزش تلاش کردن دارد.

برای همراهی خانواده‌ها در نظر گرفتیم. فانتزی از نظر فرم و محتوا چطور می‌تواند در تاثیر گذاری یک نمایش بر کودکان و بزرگسالان نقش داشته باشد؟

اگر فانتزی را معادل خیال‌انگیزی در نظر بگیریم، باید بگویم عنصر اصلی کار کودک همین فانتزی و خیال است. این عنصر باعث می‌شود از فضای واقعی دور شویم و هر چیزی برای کودک در دنیای فانتزی امکان‌پذیر است یعنی در دنیای فانتزی کتاب جان می‌گیرد و به‌عنوان جاندار واقعی را انجام دهد. در دنیای واقعی این امکانات نیست و جادو چنین موهبتی را ایجاد می‌کند. فانتزی برای بچه‌ها شگفت‌انگیز است و همیشه با آن ارتباط خوبی می‌گیرند. فانتزی می‌تواند از واقعیت وام بگیرد. کارتون «تام و جری» را در نظر بگیرید. حتی درگیری و خشونت آن‌ها شبیه دنیای واقعی نیست و اگر ده بار زمین می‌خورند و سرشان باد می‌کند، داخل مقوا گیر می‌کنند و شکل آن را به خود می‌گیرند و... همه این موارد تنها در دنیای فانتزی امکان‌پذیر است.

با توجه به این که خانواده‌ها این روزها آگاهانه‌تر دست به انتخاب اثری نمایش برای تماشای کودکان‌شان می‌زنند، آیا کار شما سخت‌تر نشده است؟ و آیا شما هم با حساسیت خانواده نسبت به تئاتر کودک مواجه می‌شوید؟

باید در نمایش به همه سوال‌هایی که در ذهن بچه‌ها ایجاد می‌شود پاسخ بدهیم. همان‌طور که در پوستر نمایش شما هم گفته شده، تماشاگران نمایش‌های کودک و نوجوان، بچه‌ها به همراه خانواده هستند. شما چه تمهیداتی اندیشیده‌اید تا نمایش‌تان برای بزرگ‌ترها هم جذاب باشد یا خانواده‌ها هم بتوانند از بار آموزشی اثر بهره‌مند شوند؟

در گذشته مادر بزرگ‌ها برای همه قصه می‌گفتند و علاوه بر بچه‌ها بزرگ‌ترها از قصه‌های او لذت می‌بردند. بیان درست قصه خیلی مهم است و قصه‌گویی هم فوت و فن خودش را دارد و باید با تعلیقات جذابی داشته باشد.

اگر ما همه ابزارهای مربوط به قصه را به درستی استفاده کنیم جذابیت کار بیشتر می‌شود. استفاده از فضای فانتزی در کار اهمیت ویژه‌ای دارد و ما از این عنصر استفاده کرده‌ایم. در نمایش «عموی عجیب بزرگ کوچک من» در ابتدای کار کتابی داریم که از داخل کتابخانه چندین بار به زمین می‌افتد و می‌خواهد روی کتاب‌خوانی تاکید کند.

همین فانتزی ساده برای بچه‌ها جالب است. سعی کردیم عناصر انتخابی به صورتی باشد که بزرگ‌ترها هم جذب آن شوند و برایشان سوال ایجاد شود. بخشی از کار شهودی است و نمی‌توان توضیح داد و جنبه بصری دارد و این نکته را هم

نمایش «عموی عجیب بزرگ کوچک من» برگرفته از داستان و اشعار شل سیلور است. در مورد پیوند این آثار خارجی با دنیای کودکان ایرانی بگویید.

گیتا داوودی قصه‌ای را در مورد دختری روایت کرده است که دچار اندوه شدیدی شده است و ماجرا به‌طور کلی در کتابخانه اتفاق می‌افتد. او قصه‌های شل سیلور استاین را داخل قصه اصلی خودش آورده و از آن بهره برده است. ما سعی کردیم اشعار و قصه‌های شل را بخوانیم و ببینیم کدام یک به روند قصه اصلی ما که خودمان طراحی کردیم کمک می‌کند و به شیوه قصه در قصه یا فرم‌های شبیه به هزارویک شب نزدیکش کردیم. هر کدام از قصه‌ها در بچه‌ای از زندگی دختر کوچک داستان ما را باز می‌کنند تا جایی که به یک اندیشه و نگاه تازه می‌رسیم.

با توجه به تحولاتی که در روحیه، آگاهی و علایق کودک و نوجوان امروزی به وجود آمده، در کارهایتان چقدر این موضوع را لحاظ می‌کنید؟

من همیشه از باز خوردی که در کار قبلی از تماشاگر می‌گیرم سراغ اثر جدیدم می‌روم. بدون این نگاه، نمی‌توانید کار کنید. مخاطبان کودک و نوجوان بسیار خلاق و پویا هستند. مگر می‌شود این خلاقیت را نادیده گرفت؟ برای اجرای نمایش مخصوص این گروه سنی باید پژوهش لازم انجام شود و باید با خلاقیت تمام کار کرد. فکر می‌کنم می‌توان هر سوژه‌ای را با بچه‌ها مطرح کرد، اما اندازه و بیان موضوع مهم است و باید کارشناسی شده باشد و باید سواد مخاطب را در نظر گرفت، مثلاً وقتی می‌خواهیم با یک بچه پیش دبستانی در مورد موضوع مرگ صحبت کنیم، تا چه اندازه می‌توانیم بحث را باز کنیم؟ در این شرایط باید عینیت را بیشتر در نظر داشت و تصویری کار کرد. برای سنین بالاتر می‌توان مفاهیم را بازتر و انتزاعی‌تر بیان کرد. بیان برخی موضوعات فقط به بزرگ‌ترها ربط ندارد.

